

با آغاز دور جدید اکران‌ها از چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت، سینمای ایران شاهد ورود هشت فیلم تازه به چرخه نمایش بود؛ آثاری در ژانرهای متنوع از جمله کمدی، اجتماعی، دفاع مقدس و کودک‌ونوجوان که ترکیب متنوعی را برای مخاطبان فراهم کرده است. در میان این آثار، فیلم‌های صدام، زیبا صدایم کن، خانه ارواح، هرچی تو بگی، بازی را بکش، اسفند و به‌تازگی

جان گرفتن گیشه بادور جدید اکران‌ها



امیرحسین حیدری گروه فرهنگ و هنر

هر زمان که فصل نمایشگاه کتاب سر می‌رسد جمع کثیری از اهالی سینما و ادبیات به تکاپو می‌افتند که چطور می‌شودمیان بزرگ‌ترین رویداد ادبی و پرطرفدارترین گونه هنری پل زد، که هر سال بادیپیی‌ترین پاسخ یعنی «اقتباس» مواجه می‌شوند. اقتباس یکی از مهم‌ترین راه‌های غنی‌سازی آثار سینمایی به حساب می‌آید و صدا البته که سینمای ما از فقر شدید آن رنج می‌برد. پرواضح است که اقتباس سابقه‌ای طولانی در سینما دارد و گفتنش تکرار مکررات است اما حرکت سریع جهان به سمت دنیای مدرن و پست مدرن، گونه جدیدی از اقتباس را پیش پای سینما و مخصوصا اهالی ادبیات گذاشته‌است. از آنجاکه یکی ازعلاقه‌مندی‌ها در دنیای پسادرن این‌است که آنچه‌از سنت به‌جامانده راوارونه کند، در اقتباس هم چنین کاری انجام‌شد، کاری که جزو مواردی است که آنچنان بد هم از آب در نیامد و شروعی برای اقتباس ادبی از فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای شد. به همین خاطر در این گزارش سعی کرده‌ایم تازیر و یم اقتباس معکوس را باهم بررسی کنیم.

اقتباس معکوس چیست؟

اقتباس معکوس همان‌طور که از ذکر شد برخلاف اقتباس سنتی که در آن فیلمسازان آثار ادبی را به تصویر می‌کشند، فرآیندی است که طی آن نویسندگان، داستان و رمان را براساس فیلم‌های موجود خلق می‌کنند. این پدیده را می‌توان نوعی بازآفرینی دانست که مرزهای میان ادبیات و سینما را درهم می‌آمیزد و امکانات جدیدی برای روایتگری ایجاد می‌کند.

گونه‌های مختلف اقتباس معکوس

به طور کلی، اقتباس معکوس به سه دسته تقسیم می‌شود: نخست، رمان‌سازی (novelization) است که در آن فیلمنامه‌های سینمایی به رمان تبدیل می‌شوند؛ دوم، بسط داستانی که در آن نویسنده، جهان داستانی فیلم را گسترش می‌دهد و سوم، بازنویسی خلافتانه که نویسنده با الهام از فیلم، اثری کاملاً متفاوت و جدید خلق می‌کند.

از سود تجاری تا جریان هنری

اقتباس معکوس در دنیای هنر پدیده‌ای نو به حساب می‌آید و نخستین موج جدی این نوع از اقتباس به دهه ۱۹۷۰ میلادی برمی‌گردد، زمانی که استودیوهای فیلمسازی شروع به سفارش نسخه‌های رمان از فیلم‌های پر فروش خود کردند. این حرکت بیشتر با اهداف تجاری و برای تقویت برند فیلم‌ها انجام می‌شد. با گذشت زمان و به ویژه از اوایل قرن بیست و یکم، اقتباس معکوس از یک استراتژی صرفا تجاری به یک جریان هنری جدی تبدیل شد. نویسندگان مطرح دست به نگارش آثاری زدند که نه تنها روایت فیلم را بازگو می‌کردند، بلکه لایه‌های جدیدی به آن می‌افزودند و گاه حتی روایت را از زاویه‌ای کاملاً متفاوت بازتعریف می‌کردند.

بی‌سروصدا از ۲۴ اردیبهشت اکران خود را آغاز کردند. در هفته گذشته، ۲۱ هزار و ۸۰۰ سانس به نمایش این فیلم‌ها اختصاص یافت و در مجموع ۶۳۱ هزار مخاطب به سینماها رفتند. فروش گیشه نیز به رقم قابل توجه ۴۷ میلیارد و ۱۱۹ میلیون تومان رسید. فیلم «صدام» به‌کارگردانی پدram پورامیری، با بازی رضا عطاران، پربنزا ایزدیار و آزاده صمدی موفق شد در صدر

جدول فروش هفتگی قرار گیرد و «دایناسور» را به رتبه سوم بفرستد. این فیلم در هفته نخست خود با فروش ۱۲۴۵ بلیت، ۲۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان درآمد کسب کرد. در رتبه‌های بعدی، فیلم «موسی کلیم‌الله: به‌وقت طلوع» با ۴۸ هزار بلیت، دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان فروش کرد. انیمیشن‌های «رویاشهر» و «پسر دلفینی ۲» نیز در میان پرفروش‌های هفته جای گرفتند.



کتاب‌هایی که از دل فیلم متولد می‌شوند

در این گزارش به معرفی «اقتباس معکوس» و ظرفیت‌های آن برای صنعت نشر و سینما پرداخته‌ایم

غیبت اقتباس در سینمای ایران

در سینمای ایران اما عملا هیچ توجهی به اقتباس معکوس و حتی نوع سنتی آن نمی‌شود با این‌که این نوع از اقتباس می‌تواند به عنوان یک استراتژی تجاری مورد توجه قرار گیرد. با این حال در

محدودیت‌ها یا فرصت‌های نوآوری؟

جان باتنس، در کتاب خود «نویلیزاسیون: از فیلم تا رمان» (۲۰۱۳)، نویلیزاسیون را به عنوان یک نمونه از «نوشتار محدود» (constrained writing) توصیف می‌کند. او استدلال می‌کند که نویلیزاسیون‌ها تحت تأثیر محدودیت‌های متعددی قرار دارند، از جمله وفاداری به اثر اصلی، الزامات تجاری و انتظارات مخاطبان.

با این حال، این محدودیت‌ها فرصتی برای خلاقیت و نوآوری ادبی فراهم می‌کنند. باتنس همچنین رابطه بین سینما و ادبیات را از منظر نویلیزاسیون بازتعریف می‌کند و پیشنهاد می‌دهد این سبک می‌تواند پارادایم اقتباس را بازنگری کند.

برش

نمایشگاه کتاب تهران

آغاز یک گفت‌وگوی تازه

نمایشگاه کتاب تهران بار دیگر بهانه‌ای شد تا بحث اقتباس در فضای فرهنگی کشور داغ شود؛ اما این بار نه درباره اقتباس‌های کلاسیک که طی دهه‌ها به تکرار در محافل سینمایی و ادبی پرداخته شده، بلکه درباره نوع متفاوتی از اقتباس که چندان در کشور ما جدی گرفته نشده است: «اقتباس معکوس». گونه‌ای که در آن، به جای آن‌که ادبیات به خدمت سینما درآید، این بار سینما بذر روایت را می‌کارد و ادبیات با قلمی تازه، آن را بارور می‌کند. هرچند در نگاه اول ممکن است این روند وارونه‌سازی سنت‌ها به مذاق ادیبان سنت‌گرا خوش نیاید، اما

واقعیت این است که در دنیای مدرن و پسامدرن، هنر دیگر محدود به چارچوب‌های کلاسیک نیست و روایت، فقط به رسانه‌ای خاص محدود نمی‌ماند. در ایران، با وجود برگزاری نخستین نشست تخصصی با موضوع اقتباس معکوس در نمایشگاه کتاب امسال، هنوز فاصله زیادی تا تبدیل این مفهوم به یک جریان ملموس در نشر و سینما وجود دارد. صنعت نشر کشور در کنار تولیدکنندگان محتوادر سینما، نیاز دارد تا پایدی یا زبتر به این مقوله بنگرند و از فرصت‌های آن برای توسعه بازار، خلق ژانرهای جدید و جذب مخاطب بهره بگیرند.

به‌ویژه آن‌که با رشد روزافزون پلتفرم‌های دیجیتال، دیگر مرز روشنی میان فیلم، کتاب، بازی و شبکه اجتماعی وجود ندارد و مخاطب امروز بیش از هر زمان دیگری آماده تجربه کردن روایت در قالب‌های متنوع است. نویسندگان جوان نیز می‌توانند در این میدان تازه گام بگذارند و با اقتباس از فیلم‌ها، مجموعه‌های نمایشی و حتی بازی‌های ویدئویی،

روایت‌هایی مستقل و تأثیرگذار بیافرینند. روایت‌هایی که هم بتوانند به‌طور مستقل در بازار کتاب بدرخشند و هم در کنار نسخه تصویری خود، تجربه‌ای چندلایه و چندرسانه‌ای به مخاطب ارائه دهند. حتی می‌توان با را فراتر گذاشت و به چرخه‌ای از اقتباس متقابل فکر کرد؛ جایی که کتابی برگرفته از فیلم، چنان موفق عمل کند که خود زمینه‌ساز خلق دنباله‌های سینمایی یا حتی سریال‌های جدید شود. در نهایت، اقتباس معکوس نه تنها یک انتخاب ادبی یا سینمایی، بلکه یک استراتژی فرهنگی هوشمندانه برای عصر روایت‌های ترکیبی است. گرچه هنوز بسیاری در برابر آن مقاومت می‌کنند، اما حقیقت آن است که دنیای امروز به هم‌زیستی رسانه‌ها باور دارد؛ جایی که واژه و تصویر، صدا و متن، یکدیگر را کامل می‌کنند. شاید زمان آن فرا رسیده که ما نیز سنت‌های روایت را با نگاهی نو بازخوانی کنیم و اقتباس معکوس، نقطه شروعی برای این تحول است.



قاب

«ململ»

راهی سینما می‌شود

مرکز کودک‌ونوجوان صداوسیما اعلام کرد که ساخت تولیدات سینمایی و عروسکی برای برندهای محبوب این حوزه در دستور کار قرار گرفته است. بر همین اساس، انیمیشن سینمایی «ململ» نیز یکی از پروژه‌هایی است که تولید آن در سال جاری آغاز خواهد شد. محمدصادق باطنی، رئیس این مرکز، با بیان این‌که فیلمنامه این انیمیشن در مراحل پایانی بازنویس قرار دارد، گفت: اگرچه سرمایه‌گذاری پروژه هنوز نهایی نشده اما فرآیندهای اولیه ساخت آغاز شده و تولید انیمیشن «ململ» به‌زودی وارد فاز اجرایی خواهد شد.

داوران جشنواره

فیلم مقاومت معرفی شدند

به‌گزارش روابط عمومی هجدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، ترکیب هیأت داوران پنج بخش از این رویداد سینمایی اعلام شد. طبق اعلام دبیرخانه جشنواره، در بخش فیلم داستانی کوتاه و بلند، داوری آثار بر عهده هادی مقدم‌دوست، نقی نعمتی، مهدی آذریندار، حسین نمازی و روزبه رایگا گذاشته شده است. این داوران از فیلم‌سازان و فیلمنامه‌نویسان با سابقه و از چهره‌های مطرح در تحلیل سینما به‌شمار می‌روند. در بخش مستند نیز محمد داوودی، محسن یزدی، امیرحسین نوروزی، محمد شکیبانی و مصطفی رزاق‌کریمی که همگی از مستندسازان و فعالان شاخص این حوزه هستند، به ارزیابی آثار می‌پردازند. داوری بخش اقلام تبلیغی با تمرکز بر بخش عکس به فتاح ذی‌نوری، حامداحمدی وامیرعابدی سپرده شده که از چهره‌های شناخته‌شده در هنرهای تجسمی و تبلیغات سینمایی محسوب می‌شوند. همچنین در بخش روایت‌قلم که به داوری فیلمنامه‌ها اختصاص دارد، مجید اسماعیلی، بهرام جلالی‌پور، ماه‌منیر داستان‌پور، سعید مستغانی و مصطفی رستگاری و... حضور دارند.

جشنواره

داوران جشنواره

فیلم مقاومت معرفی شدند

سینما

C I N E M A

پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴ ■ شماره ۷۰۴۴

داشت که در فیلم حذف شده بودند و تجربه متفاوتی از داستان ارائه داد. نویلیزاسیون‌های ژاپنی از «هملت»، مانند «اراده اوغلیا» اثر هیدئو کوبایاشی، نشان‌دهنده تفسیرهای فرهنگی متفاوت از این اثر کلاسیک هستند. این آثار نشان می‌دهند نویلیزاسیون‌ها می‌توانند بستری برای خلاقیت و تفسیرهای جدید فراهم‌کنند.

آینده‌ای که آغاز شده‌است

گرچه اقتباس معکوس از فیلم‌هایش ترم‌مطرح‌شده، اما در سال‌های اخیر، بازی‌های ویدئویی نیز به منبعی مهم برای نویلیزاسیون تبدیل شده‌اند. جهان‌های وسیع، شخصیت‌های چندلایه و داستان‌های پیچیده‌ای که در بسیاری از بازی‌ها طراحی می‌شوند، ظرفیت بالایی برای تبدیل به رمان دارند. این روند از دهه ۹۰ میلادی آغاز شد و امروز به جریان پررونقی بدل شده‌است. رمان‌هایی بر اساس بازی‌هایی چون «The Witcher» نه تنها فروش بالایی داشته‌اند، بلکه برخی از آنها توانسته‌اند به آثار ادبی مستقل نیز بدل شوند. جالب آن‌که در مورد «ویچر»، مسیر اقتباس معکوس برعکس شد؛ ابتدا داستان در قالب رمان نوشته شد، سپس بازی ویدئویی بر اساس آن ساخته شد و در نهایت، سریالی پرمخاطب به آن اختصاص یافت. این نشان می‌دهد چرخه روایت در دنیای امروز، دیگر مسیر خطی ندارد. در ایران، با وجود گسترش بازی‌های بومی، هنوز کمتر به اقتباس ادبی از آنها توجه شده است. بازی‌هایی نظیر «آرش‌های فرازمینی»، «مختار؛ فصل قیام» یا حتی پروژه‌هایی مانند «حماسه آرش» می‌توانند سوزه‌هایی بکر برای روایت‌های ادبی باشند.

فناوری؛ موتور محرک اقتباس معکوس

پیشرفت فناوری و گسترش پلتفرم‌های دیجیتال، نقش مهمی در رونق اقتباس معکوس داشته است. امروزه، خلق و انتشار محتوای اقتباسی بسیار آسان‌تر شده و مخاطبان دسترسی بیشتری به این آثار دارند. شبکه‌های اجتماعی و انجمن‌های آنلاین نیز فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر میان طرفداران فیلم‌ها و نویسندگان اقتباس‌ها فراهم کرده‌اند. این تعامل، به غنی‌تر شدن آثار اقتباسی کمک می‌کند و گاه حتی نظرات مخاطبان در روند خلق اثر تأثیرگذار می‌شود.

اثرگذاری بر صنعت نشر وسینما

همچنین اقتباس معکوس تأثیر قابل توجهی بر صنعت نشر داشته است. این پدیده فرصتی برای ناشران ایجاد کرده تا از موفقیت فیلم‌ها بهره ببرند و مخاطبان جدیدی را به سمت کتاب جذب کنند. همچنین، اقتباس معکوس باعث تنوع در بازار کتاب شده و ژانرهای جدیدی ایجاد کرده است. از سوی دیگر، اقتباس معکوس بر صنعت سینما نیز تأثیرگذار بوده. کتاب‌هایی که براساس فیلم‌ها نوشته می‌شوند، گاه به قدری موفق می‌شوند که خود الهام‌بخش ساخت دنباله‌های سینمایی می‌شوند. این چرخه اقتباس متقابل، به توسعه فرنچایزهای سرگرمی کمک کرده و مرزهای سنتی میان رسانه‌های مختلف را کمرنگ کرده‌است.

